



- ۱ پایانی فاصله طبقاتی
- ۲ حسینی‌ترپیت‌کننده
- ۳ اتحادیه‌میشتی‌هیأت
- ۴ خلاصه سخنرانی شب هشتم محرم هیئت میتناق با شهدا



# انسان رها از همه چیز طبقاتی

شکسته قلم

دانشجو کارشناسی حقوق دانشگاه شهید بهشتی

## پیروی خط امام یا معاویه بن ابی سفیان زمان؟! برداشت کنونی یک دانشجو در فضای نخبگانی دانشگاهی، طلبه‌ای در حوزه فیضیه قم و در سطح نازل تریک دست‌فروش خیابان انقلاب تهران از مسئول دیگنیتی‌سوار شمال شهرنشین، لاجرم شخصیتی حتی نزدیک به امام راحل نیست. ماحصل خط‌خطی‌های پشتوانه فکری اصلاحات - دکتر سروش - در دهه ۷۰ و حذف خط‌کشی‌ها توسط روشنفکرانهای لیبرال، مدیر یقه‌بسته‌ی اصلاح‌تچی‌ای می‌باشد که با نسخه‌پیچی‌های مدرن برای جامعه‌ی در مسیر توحید، مدعی انقلاب‌گری است. «یک تار موی کوخ‌نشینان به همه کاخ‌نشینان ترجیح دارد» جمله نامأنوسی است که دهان تعجب می‌درد. چرا و چگونه بین مردم و مسئولین که در گفتمان امامین انقلاب خدام‌الناس خدمتگزاران ملت لقب دارند، فاصله‌ی نجومی افتاد؟

## فی الواقع گویا حضرات رنگی به کفش دارند!

سؤال اینجاست چرا مجلسی که با وعده شفافیت تشکیل می‌شود هنوز پس از گذشت بیش از سه سال از عمر چهارساله خود نتوانسته قانونی در رابطه با شفافیت مالی نمایندگان ملت تصویب کند و کماکان با سیاسی‌کاری و کارنمایشی تنها موفق به راه‌اندازی سامانه شفافیت آرای نمایندگان شده که آن هم در رابطه با لویایح

مجالس خوش‌گذرانی آن‌ها همه چیز پیدا می‌شد. آن‌ها حامی جدی هنر و ادبیات بودند. در زمینه فلسفه و فکر، جنبش اومانیسم از همان قرن ۱۴ ایجاد شد. اومانیسم بیان می‌دارد که انسان خود بنیاد است؛ یعنی هیچ چیز خارج و یا فراتر از انسان نمی‌تواند به او تعیینی بدهد؛ بلکه همه چیز دافر مدار تصمیم خود اوست. جنبش فکری دیگری که در این دوران اهمیت دارد، اصلاحات مذهبی است. در نظم قبلی، کلیسا که زمین‌دار اصلی بود، بسیار ثروتمند و آموزش نیز در آن منحصر بود. در نظم جدید، تقابل‌های جدی با کلیسا آغاز شد. کشیش‌های متعددی با انتشار کتاب‌های طنز و فکاهی، عقاید کلیسا را به تمسخر گرفتند. شالوده‌اصلاح مذهبی این بود که اولاً برخلاف کلیسای کاتولیک، کارکردن و جمع‌آوری ثروت ممدوح و بلکه یک رسالت است. ثانیاً برای ارتباط با خدا نیازی به واسطه (=کشیشان کلیسای کاتولیک) نیست. در این دوران جامعه سؤال‌هایی داشت که کلیسا پاسخی برای آن‌ها نداشت و همین امر موجب شد کلیسا با تغییرات جدید هماهنگ شود و تأثیر ببذیرد. برخی فسادهای کلیسای واتیکان در اواخر قرون وسطی نیز در این اصلاحات مؤثر بود. حکومت‌های این دوره که غالباً پادشاهی بودند نیز خواهان استقلال از کلیسا بودند.

دوران اولیه سرمایه‌داری و نظریه‌پردازی درباره‌ی راهی اقتصادی

بهمروزمان، ثروت طبقه بورژوا

## از فنودالیسم تا بورژوازی

از دهه‌های منتهی به قرن ۱۵ میلادی تغییرات گسترده‌ای در سبک زندگی مردم آشکار شد. نظام فنودالی کم‌کم روبه‌زوال بود. این نظام با فروپاشی روم غربی در سال ۴۷۶ میلادی و

برافتادن نظام برده‌داری به وجود آمد. اهم ویژگی‌های این نظام عبارت‌اند از: مالکیت خصوصی متمرکز و انحصاری زمین، وجود نظام طبقاتی؛ طبقه دهقان و زمین‌دار، عدم امکان جابه‌جایی بین طبقات، دولت اقلیت اشرافی، تمرکز قدرت سیاسی - اقتصادی در روستاها، عدم رونق تجارت و کم‌اهمیت بودن دارایی‌های مالی و پولی.

از قرن ۱۵ مهاجرت کشاورزان (که وضعیت بد اقتصادی داشتند) به شهرها آغاز شد. شهرها کم‌کم پرجمعیت شدند و شغل جدیدی به مرکزیت آنها ایجاد شد: تجارت. بازرگانان با رونق تجارت کم‌کم ثروتمند می‌شدند و طبقاتی را شکل دادند که با نام «بورژوا» شناخته می‌شد. آنها به لحاظ مذهبی قیدوبند خاصی نداشتند و به رباخواری مشهور بودند. در این دوره دارایی پولی و مالی با اهمیت‌تر شد و اولین بانک‌ها و صرافی‌ها شکل گرفت.

انسان خود بنیاد، رها از همه چیز جز خود!

بورژواها کم‌کم به قدرت سیاسی - اقتصادی رسیدند. در

سرمقاله



امیرحسین مستقل



### امام روح الله

کربلا، کاخ ستمگری را با خون درهم کوبید و کربلای ما، کاخ سلطنت شیطانی را فروریخت.

صحیفه امام، جلد ۹، صفحه ۴۴۵

# حسینیه تربیت کنند

علیرضا گرجی | دانشجو کارشناسی حقوق دانشگاه شهید بهشتی

را متعجب کند؛ اما امان از قلوب متزلزل پراکنده‌ی دشمنان! هرساله چنان ریشه‌ای را بر اندام تکیده و نحیف‌شان می‌اندازد که گویی تمام زحمات و عناد کاری‌های یک‌ساله‌شان گردوخاک در هوا می‌شود. و این مصداق همان "و فی قلوبهم شکی" است؛ آنهایی که امروزه قلب‌هایشان از دیدن این وحدت و همبستگی به هم می‌پیچد و درد می‌گیرد، فی‌الحال دارند با نهایت عجز و ناتوانی، التماس می‌کنند که به هیئت و عزاداری نروید، مشکی نپوشید، چون مهر تأییدی بر عشق و محبت مردم به‌نظام جمهوری اسلامی می‌زنید و پشتوانه‌ی مردمی این نظام را گرم می‌کنید و همان‌هایی که امت اسلام و جماعت ایران را نشانه رفته بودند تا از این طریق عنادانه و نقشه‌ی خصمانه، بتوانند در قلوب مردم رسوخ کنند حالا دست از پا درازتر فهمیده‌اند که نمی‌توانند اسلام و تشیع را از نظام جمهوری اسلامی سوا کنند و این یکی نتیجه و ثمره‌ی همان است؛ پس نوک زهرآگین پیکان را به سمت‌وسوی اسلام و تشیع گرفته‌اند و قطعاً به طور جدی‌تر پیش خواهند رفت. همین تجمعات سالانه و مناسبتی است که کم‌ر ملاعین عالم را شکانده است، از مهمانی کیلومتری غدير بگیر تا محرم و شب‌های عزایش. شاید اگر صریح باشیم باید بگوییم که خودمان هم تازه به ظرفیت بزرگ مناسک پی برده‌ایم، و درست سربرنگه‌ی حواسمان را جمع کرده‌ایم. کجای تاریخ و صبغی‌ی ما چنین ظرفیت عظیم و جلیلی برای انسان‌پروری و کارخانه‌ی انسان‌سازی‌ی شکل گرفته است؟ پلک‌ها را که تکان می‌دهی و نیم‌نگاهی به اقطار این ممالک می‌اندازی، گروه‌گروه مشکی پوشان حسین بن علی علیه‌السلام را در کف خیابان‌های نیویورک و تورنتو و... می‌بینی که نام حسین اوتربار را جار می‌زنند. هرساله اربعین پرشورتر، حرم امامان از جمله امام رضا مملو جمعیت، هیئت‌ها هم محرم به محرم مملو از جوانان عاشق‌تر و...

چه در عالم شد که از گریه‌های توأم با ترس از تیغ‌های آغشته‌به‌خون محبتان علی علیه‌السلام در خفقان معاویه‌ی بنی‌امیه و منصور بنی‌عباس، از دشنه‌های خصمانه و اعدام‌های بی‌رحمانه شیعیان در همین عصر معاصر، و از روضه گرفتن‌های پنهانی در پستوی خانه‌هایمان؛ امروز با افتخار بر سینه‌مان می‌کوبیم و با بانگ بر امامت علی علیه‌السلام و مظلومیت حسین علیه‌السلام، گوش فلک را کر می‌کنیم. آیا چیزی در این بین تغییر کرده؟ و یا آدم‌های امروزی با قدیم فرق دارند؟ شاید هم داستان کربلای امام حسین علیه‌السلام با گذشته تفاوت کرده است؟ اما خیر؛ شاید نقطه‌ی عطف ماجرا آنجا بود که دیگر کربلا و ماجراهای تلخ‌تر از زهر بعدش را فقط برای گریه‌کردن صرف نخواستیم و به عبارتی دقیق‌تر به دنبال امام حسین علیه‌السلام دکوری و تزئینی نبودیم؛ از کربلا درس گرفتیم و این تجربه‌ی ما بود که مستب شد، با وحدت و همبستگی در راه ظلم‌ستیزی و تظلم مظلوم و بریدن گوش مستکبرین عالم حرکت کنیم. به قول امام موسی صدر: "من حسینیه را حسینیه نمی‌دانم مگر اینکه دلاورانی را برای مقابله با رژیم صهیونیستی تربیت کند." اصلاً هیئت جز این معنا ندارد و این تلخ واقعیت، خود حقیقت است که در این‌گونه هیئت‌ها شمر هم سینه می‌زند! رهبر انقلاب چه خوش فرمودند که: "هیئت، سکولار نمی‌شود. ما شمر را لعنت می‌کنیم برای اینکه ریشه‌ی شمر شدن و شمیری عمل‌کردن را در دنیا بکنیم؛ ما یزید و عبیدالله را لعنت می‌کنیم برای اینکه با حاکمیت طاغوت، حاکمیت یزیدی، حاکمیت عیش و نوش و حاکمیت ظلم به مؤمنین در دنیا مقابله کنیم." وقتی که خیل گسترده‌ی هیأت و دسته‌های عزاداری در کوچه به کوچه‌ی شهر ردیف می‌شوند، شاید برای خود ما آن قدر عادی و معمولی شده باشد که نبودن و ندیدنشان اتفاقاً ما

و طرح‌های مهم هنوز عملیاتی نشده است؟! جامعه‌ی چندطبقه‌ی متکثر منشئت، توحیدی نیست و به تعبیر شهید بهشتی علیه‌السلام «مادام که در آن جامعه در یک سو گرسنه‌ی بیچاره‌ی از سرما لرزان وجود دارد، و از سوی دیگر متنعمان برخوردار از همه چیز، این جامعه لجن است! تمام چهره‌اش را هم که با قرآن بیوشانید باز لجن است. خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگرش چندین سال است که چاله و چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده». حداقل آنکه حکومت اسلامی چهره‌ی کاریکاتوری شهر را نمی‌پذیرد و با فلسفه‌بافی صد من یک غاز که واقعیت موجود را خروجی نهایی می‌داند، غنای مرفه‌ی که آروغ سرمستی می‌زند و شکم‌درد گرسنگی طفلی یتیم را توجیه نمی‌کند! خود را مسئول می‌داند و به‌مانند سایر حکومت‌های سکولار دنیای صرف را ملاک قرار نمی‌دهد و در آغوش افراط و تفریط نمی‌رود. نظریه‌ی "مانور تجمل" که صراحتاً خلاف سیره‌ی اهل بیت گرامی اسلام بود و رهبر انقلاب بارها متذکر آن شدند، توسط چه کسی در خطبه‌ی نمازجمعه‌ی تهران تئوریزه شد؟ تفکر «زیر چرخنده‌های توسعه‌ی عده‌ای له بشوند، اشکالی ندارد!» توسط چه کسانی گفتمان شد؟ امام جماران با امام حرم امام چه شباهتی دارد؟

### کلاف سردرگم

شلختگی و تناقض، آستانه تاب‌آوری را می‌شکند. به‌مراتب وضع مملکت در آشوب دهه‌ی شصت از الان ما نابسامان‌تر بود ولیکن چرا همدلی بین مردم و مسئولین بروز بیشتری داشت؟ علتش این نبود که زندگی رئیس‌جمهور رایجی با بقیه مردم فرقی نداشت؟ نه به‌مانند مرحوم میرفندرسکی که در استخر ملکه‌ی مفلوک الیزابت دوم در کشور بورکینافاسو دعوت حضرت حق را لیک گفت!

### سرنخ

ضعف در مبانی و فهم غلط مسئله، اختلال در سیستم محاسباتی را به همراه دارد. شاید باورش کمی دشوار باشد؛ اما گاهی اوقات بیت رهبری، رهبری را تحریف می‌کند! زاویه انحراف اوایل دهه ۷۰ قطعاً به‌اندازه‌ی امروز نبود. شاید اگر انتخاب مردم با دقت بیشتری صورت می‌گرفت و انقلابیون، مطالبه‌گری فعالانه‌ی در سطح کنشگری اوایل انقلاب داشتند، فاصله‌ی خواسته‌های طبقه اول با حسرت‌های طبقه دهم این‌قدر کیلومتری نبود!

ادامه از صفحه ۱

انباشت شد. نیازهای جدید این دوره نوع جدیدی از شناخت جهان (علم) و اختراعات را رقم زد و مسیر برای انقلاب صنعتی هموار شد. ویژگی دور اول انقلاب صنعتی، ظهور کارخانه‌ها بود. راهاندازی و استمرار تولید کارخانه نیاز به سرمایه داشت؛ لذا تنها طبقه بورژوا توانایی این کار را داشتند و می‌توانستند ریسک سرمایه‌گذاری را متحمل شوند. با این اتفاق پایه‌های نظام اقتصادی سرمایه‌داری ریخته شد. معنایی که آن روز از رهایی اقتصادی (لیبرالیسم) مطرح شد ناظر به همین طبقه بود. آدم اسمیت که به‌عنوان مبدع لیبرالیسم اقتصادی شناخته می‌شود، آنجایی که صحبت از آزادی می‌کند، به طور ویژه اشاره به بازرگانان و لغو تعرفه‌های گمرکی دارد. او می‌گوید اگر هر فرد آزادانه منافع شخصی‌اش را دنبال کند، منافع عمومی برقرار می‌شود. در واقع انسان سودجو از آنجایی که می‌خواهد از دیگران نیز در جهت منافع خود استفاده کند، لاجرم باید نیازهای دیگران را تأمین کند تا به منفعتش برسد. پس در این نظام که نظام بازار است، اگر رهایی وجود داشته باشد، منافع عمومی برقرار می‌شود. منظور از منفعت، تولید ثروت و مصرف کالا و خدمات است. در ساحت عملی، اولین جلوه رهایی اقتصادی قرن ۱۹، لغو تعرفه‌های گمرکی و برقراری تجارت آزاد بود. جلوه دوم آن، دست‌کشیدن دولت از تنظیم مناسبات کارگرو سرمایه‌دار بود به‌طوری‌که با کنار رفتن دولت، اجتماع خصوصی کارگران (اتحادیه و جنبش‌های کارگری) شکل گرفت. نیمه اول قرن ۱۹ در واقع مراحل اولیه کاپیتالیسم است که اصول آن به طور حداکثری رعایت می‌شود. ویژگی این دوره بحران‌های پی‌درپی اروپا است. قدر مشترک این بحران‌ها، قدرت خرید پایین، شیوع بیماری، ساعت کاری بالا و استفاده غیرمنصفانه از زنان و کودکان در میان طبقه کارگر است. جنبش‌های کارگری این قرن باعث ایجاد بدبینی به رهایی اقتصادی مطرح شده توسط اسمیت بود. متفکران فراوانی مانند ریکاردو، مالتوس، جان استوارت میل، تورستن ویلن و مارکس از جمله منتقدین مهم قرن ۱۹ هستند. مهر محکم بر خوش‌بینی رهایی اقتصادی در بحران ۱۹۲۹ اتفاق افتاد به‌طوری‌که پس از این دوره، لزوم مداخله دولت در اقتصاد و بی‌اعتمادی به نظام بازار و نفی نیروهای خودکار برای رسیدن به منفعت عمومی، مستحکم شد.

#### کلام آخر

رهایی اقتصادی به‌عنوان یک ایده، زمانی مطرح شد که قبل از آن تغییرات روبنایی در سبک زندگی مردمان اروپا ایجاد شده بود از جمله ایجاد شهرهای پرجمعیت، مهاجرت کشاورزان به شهر، رشد طبقه بازرگان و تاجر، مطرح‌شدن انباشت ثروت و مصرف بالا به‌عنوان یک امر مطلوب و... از طرف دیگر، یک نظام اقتصادی بر پایه منفعت شخصی و اراده انسانی که اتکای دیگر جز خود نداشت مطرح شد. طبیعی است که وقتی نظام اقتصادی بر این پایه بنا شود، همواره نگرانی درباره آینده آن وجود خواهد داشت. در نظام‌های قبلی، به‌جای منافع شخصی، سنت‌ها و اراده شاهان مستبد حکم‌فرمایی می‌کرد؛ اما این بار بنای اجتماع بر منفعت شخصی بود و ادعا می‌شد بدون وجود یک مغز متفکر برنامه‌ریز، به طور خودبه‌خودی منافع عمومی برقرار می‌شود. نیمه اول قرن ۱۹ با بحران‌های خودش تعدیلاتی در این ایده ایجاد کرد. پس از بحران ۱۹۲۹ نیز آن خوش‌بینی اولیه تا حدود بسیار زیادی از بین رفت به‌طوری‌که امروزه حتی در جریان متعارف اقتصادی نیز معدود افرادی پیدا می‌شوند که هنوز به نظام بازار قرن ۱۹ ارجاع و آن را پیشنهاد بدهند.

# اتحادیه معیشتی هیأت

امیرحسین زندی | کارشناسی ارشد مدیریت مالی دانشگاه تهران



مذهبی که با هدف انجام مناسک و اعمال دینی در مساجد و حسینیه‌ها بوقوع می‌پیوندد از ویژگی‌هایی همچون وجود باورها و آرمان‌های تقریباً مشترک میان شرکت‌کنندگان آن برخوردار است که فرصت بی‌نظیری جهت اطلاع‌رسانی، توانمندسازی و تأمین مالی مردم برای انجام فعالیت‌های اقتصادی فراهم می‌سازد. همچنین چون اکثرین تجمعات در حسینیه‌ها و مساجد محلی صورت می‌گیرد معمولاً شرکت‌کنندگان در محدوده جغرافیایی نزدیک به همان مسجد یا حسینیه سکونت دارند. از این رو از لحاظ جغرافیایی نیز قابل برنامه‌ریزی است.

ایده مشخص این نوشتار محوریت مساجد و حسینیه‌ها در محلات است. به این منظور ۳ گام ۱. اطلاع‌رسانی ۲. توانمندسازی ۳. تأمین مالی مختصراً در ادامه تشریح می‌گردد: ۱. اطلاع‌رسانی: لازم است تا از فرصت طلایی ایام ماه مبارک رمضان و شب‌های محرم که مراجعه مردم به این اماکن مذهبی بیشتر است استفاده گردد به این صورت که علاوه بر بیان آیات و روایت در اهمیت فعالیت سالم اقتصادی در جامعه و کارآفرینی و نکوهش اجیرشدن، این گفتمان به‌تدریج گسترش یابد. همچنین لازم است تا برنامه‌ریزی در خصوص دوره‌های توانمندسازی که در طول سال قرار است با محوریت اماکن مذهبی برگزار شود در این ایام به نحو احسن اطلاع‌رسانی شود.

۲. توانمندسازی: متأسفانه نظام آموزشی کشور با چالش‌های جدی در زمینه مهارت‌آموزی مواجه است. چنانچه یکی از دلایل تمایل به اشتغال در بخش دولتی نیز همین عدم مهارت کافی است. در این خصوص پیشنهاد می‌گردد، توسط هیئت‌امانی این امکان مذهبی برنامه‌های آموزشی کاربردی متناسب گروه‌های مختلف سنی بردارن و خواهران با مشورت خبرگان تهیه و در این ایام اطلاع‌رسانی صورت پذیرد.

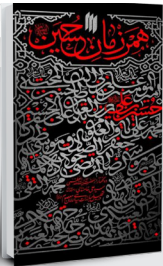
۳. تأمین مالی: ممکن است افراد علی‌الخصوص جوانان، بعد از سپری دوره توانمندسازی از تمکن مالی کافی برای ورود به بازار برخوردار نباشند یا صاحبان مشاغل و حرف برای گسترش کار خود و ایجاد اشتغال به سرمایه نیاز داشته باشند و از آنجا که تأمین مالی از سایر منابع همچون بانک پرهزینه است، تمایلی به انجام این کار ندارند. در این خصوص، ایجاد صندوق‌های قرض‌الحسنه با پول مردم برای هر مسجد و هیئت که منابع آن صرف اشتغال و کارآفرینی می‌شود، پیشنهاد می‌گردد. لازم است تا اهمیت سنت قرض‌الحسنه و برتری آن نسبت به صدقه در بخش اطلاع‌رسانی نیز موردتوجه قرار گیرد.

رهبر معظم انقلاب در فرمایشاتی که به مناسبت فرارسیدن سال ۱۴۰۲ هجری شمسی در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی داشتند، به‌ضرورت تحول‌گرایی در مسائل کشور اشاره نموده، آن را شناسایی و برطرف نمودن ضعف‌ها و نقاط معیوب کشور تشریح نمودند. در این راستا رهبر انقلاب پس از برشمردن نقاط قوت کشور همچون ایستادگی در برابر خصومت‌های متعدد خارجی و پیشرفت‌های شگرف در زمینه علوم مختلف، به تبیین نقاط ضعف پرداختند. ایشان مسئله اقتصاد را در رأس همه نقاط ضعف کشور توصیف نموده و تصدی‌گری دولت را مهم‌ترین مشکل اقتصادی دانستند. البته لازم به ذکر است: ضرورت کاهش تصدی‌گری دولت در اقتصاد کشور در فرمایشات رهبری امری بدیع نبوده و از سابقه بالایی برخوردار است که از جمله آن می‌توان به ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی اشاره نمود.

تصدی‌گری و سهم بالای دولت از اقتصاد کشور، نه‌تنها نتوانسته عدالت اقتصادی را محقق سازد، بلکه دستاوردی غیر از رشد اندک اقتصادی، بهره‌وری پایین عوامل تولید، رانت، فساد و نارضایتی مردم در پی نداشته است. با این تفاسیر، سؤال اساسی این است که چگونه می‌توان تصدی‌گری دولت در اقتصاد را کاهش داد؟

به سؤال فوق این‌گونه می‌توان پاسخ داد: کاهش سهم دولت از یک اقتصاد ممکن نیست مگر با افزایش سهم بخش غیردولتی؛ بنابراین لازمه کاهش تصدی‌گری دولت در اقتصاد، افزایش سهم بخش غیردولتی خالص است که آن را "مردمی‌سازی" اقتصاد یا افزایش مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی می‌نامیم. اما سؤال دیگری مطرح می‌شود که مردمی‌سازی اقتصاد چه راهکاری دارد؟

یکی از چالش‌های اساسی مردمی‌سازی، شیوه‌ها و روش‌های پیاده‌سازی آن است. به‌کارگیری روش‌هایی همچون خصوصی‌سازی و واگذاری سهام عدالت که کشور، تجربه آن را در سال‌های نه‌چندان دور دارد، به همین منظور صورت گرفته که متأسفانه نتیجه مطلوب حاصل نشده است. در این میان جامعه که می‌تواند با حداقل دخالت دولت، زمینه را برای حضور پررنگ‌تر مردم در اقتصاد فراهم سازد، استفاده شود. یکی از این ظرفیت‌هایی که از پتانسیل بالایی برخوردار بوده و متأسفانه به نقش آن در مردمی‌سازی اقتصاد توجه چندانی نشده است، تجمعات و پیوندهای مذهبی است. تجمعات



آنچه به نظر ما تفسیر واقعی کلمه‌ی جهاد است، این است: جهاد عبارت است از درگیری با یک دشمن - این

دشمن، هرکه می‌خواهد باشد - به یکی از اشکال و شقوق ممکن. به عبارت دیگر - برای اینکه این تعریف، با معنای لغوی جهاد هم تناسبی داشته باشد - جهاد عبارت است از تلاش و کوشش در راه پیشبرد هدف؛ منتها آن تلاش و کوششی که با درگیری با دشمن همراه است. آن تلاشی که با درگیری با دشمن همراه است. آن تلاشی که با درگیری با دشمن همراه نیست، اسمش جهاد نیست. یعنی اگر ما بخواهیم یک واژه‌ی کوچکی را، یک لغت بسیطی را در فارسی انتخاب کنیم که جهاد قرآن و جهاد روایت را با آن بخواهیم تطبیق کنیم و این واجب را بفهمیم، باید کلمه‌ی (مبارزه) را بگوییم؛ مبارزه به این معنا. البته مبارزه در معنای اصلی لغوی‌اش به این معنا است که در میدان جنگ‌های روریاری، یک نفر نباید با یک نفر دیگر تن‌به‌تن بجنگد؛ این را می‌گفتند مبارزه.

یک نفر می‌رود توی رختخواب گرمش، کنار بخاری می‌لمد، از روی فراغت فکر می‌کند که من درباره‌ی چه مسئله‌ای تحقیق کنم؛ ناگهان به یادش می‌آید که این مسئله هنوز حل نشده است که آیا هفت آسمان از جنس طلا است، یا از جنس نقره است، یا از جنسی دیگر است؛ بعد بنا می‌کند کتاب‌ها را گشتن، مطالعه کردن، چه کردن، تا این مسئله را تحقیق می‌کند و حل می‌کند. به این کار، جهاد نمی‌گویند؛ این اسمش مبارزه نیست. یا فرض بفرمایید یک نفر دانشمند محققى برود بنشیند درباره‌ی یک مسئله‌ی حقوقی خشک غیرلازم، یا حتی لازم - مثل یک مسئله‌ی که در شیمی است، یک مسئله‌ای که در ریاضی است، یک مسئله‌ای که مورد استفاده و انتفاع مردم است - زحمت بکشد و تحقیق کند، به کار او جهاد نمی‌گویند؛ کمابینه در فارسی هم به آن، مبارزه نمی‌گویند.



## خلاصه سخنرانی شب هشتم محرم هیئت میثاق باشهدا

است. عبد شهوت، اسیر است. عبد خدا شایسته رهایی است. آموزش و پرورش ما باید این مفاهیم را به دانش آموز یاد بدهد. اگر این گونه نباشد اسلامی نیست. با اعتقاد و محبت کاردست نمی‌شود. لا تُثَالَّ وَلَا تُثَالَّ إِلَّا بِالْوَرَعِ. ورع می‌خواهد. جلوی نفس ایستادن می‌خواهد. اول باید کنترل نفس و تقوا را یاد داد، قبل از ایمان. صداوسیما باید این مفاهیم را به تصویر بکشد، اینکه تقوا یعنی رهایی. اگر نتوانی این تصویر آزادی را نشان دهی، هیچ چیز از دین را نمی‌توانی نشان دهی. آموزش و پرورش باید این خودکنترلی و مقابله با نفس را به بچه‌ها آموزش دهد. غربی‌ها امروز این کار را می‌کنند و به این رسیده‌اند که خودکنترلی موجب شکوفایی استعداد می‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «ادب موجب تیزهوشی می‌شود». اگر نمی‌توانی فرد با ادب تربیت کنی اصلاً آگاهی به او نده. یک گام رهایی، خودداری است. معاویه گفت فقط علی اکبر امام حسین علیه السلام شایستگی دارد جهان اسلام را اداره کند؛ چون حضرت با خواسته‌های نفسش مبارزه می‌کرد و رها بود. این جوان باید الگوی جوانان باشد.

نوع افرادی که در جامعه از دین آموخته‌اند با ادبیاتی انس دارند که این ادبیات، اصیل نیست. مثلاً شنیده‌اید عقیده، درحالی که در قرآن اصلاً این کلمه وجود ندارد. کلمه ارزش نداریم. کلمه ایمان را داریم. دین ما برنامه مسابقه است. وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ چرا بی‌دینی کلاس دارد؟ این مشکل از ماست. یکی از ادبیات دینی، رهایی است. فلسفه بندگی خدا چیزی جز رهایی از بندگی غیر خدا نیست، دعوی دین بر سر آزادی و رهایی است. حکومت اسلامی نمی‌خواهد به‌زور به بهشت ببرد، می‌خواهد به‌زور جلوی جهنم رفتن و اسارت را بگیرد. امام‌زمان علیه السلام کسی را دین‌دار نمی‌کند، مردم را از بردگی، آزاد می‌کند. فلسفه قیام اباعبدالله علیه السلام رهاکردن مردم است. اصل ادبیات دین آزادی فرد و ملت است. لازمه آزادی ملت، مدیریت ولایی است. ولی، آزادی می‌دهد تا گل‌های ملت بشکند. نوع مدیریت پیغمبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام، مدیریت آزادی‌بخش بود که البته مردم آن را نپذیرفتند و گفتند شما مدیریت بلد نیستید، مدیریت یعنی زورگویی و دیکتاتوری. طبق فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام، رشد در مخالفت با نفس است و این موجب آزادی

### از گذشته برای امروز

#### خدا، دست او شده

اگر معتقدیم حضرت ابوالفضل صلوات‌الله‌علیه با آن دست‌های بریده‌اش دست کسانی را می‌گیرد؛ این همان است که خدا دست او شده، مصداق همین روایت است که خداوند فرموده: «... يَدَةُ الْيَتِيمِ يُبَيِّتُهَا» من دست او شدم.

علامه مصباح یزدی | ۱۳۹۷/۰۶/۰۲



#### "برادرم! برادرت را دریاب"

ویژه شب نهم محرم الحرام

#### راديو ميثاق

و عباس که یک عمر از پی ادب به حسین علیه السلام چیزی جز امیر نگفت، صدا می‌زند آه برادرم! برادرت را دریاب



Radio misaq

@lewar.ir

نقد و بررسی کتاب

رجز انصار الحسين علیه السلام  
عباس بن علی علیه السلام از یاران امام حسین علیه السلام و از شهیدان کربلا است.  
ای نفس، بعد از حسین زندگی ارزشی ندارد.